

# صلح فرامی عرسد

باز آفرینی کرامتی از حضرت مهدی (عج)





بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

صبح فرا می‌رسد / مؤلف موسسه فرهنگی تربیتی توحید. - قم: مسجد مقدّس  
جمکران، ۳۸۴.

ISBN 964 - 8484 - 65 - 1

۸۹ ص. : مصور.

فهرستویسی براساس اطلاعات فیبا.

۱. محمد بن حسن، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - الف. مؤسسه فرهنگی تربیتی

توحید، ب. مسجد مقدّس جمکران.

۲۹۷/۹۵۹

۲۴۵ ص / BP۵۱

۴۶۲۳۶ - ۸۴م

کتابخانه ملی ایران



کتابخانه ملی ایران

<input type="checkbox"/>	صبح فرا می‌رسد	■ نام کتاب:
<input type="checkbox"/>	موسسه فرهنگی تربیتی توحید	■ مؤلف:
<input type="checkbox"/>	محسن آزادی	■ طراح:
<input type="checkbox"/>	امیرسعید سعیدی	■ صفحه آرا:
<input type="checkbox"/>	انتشارات مسجد مقدّس جمکران	■ ناشر:
<input type="checkbox"/>	تابستان ۱۳۸۵	■ تاریخ نشر:
<input type="checkbox"/>	اول	■ نوبت چاپ:
<input type="checkbox"/>	سرور	■ چاپ:
<input type="checkbox"/>	۵۰۰۰ جلد	■ تیراژ:
<input type="checkbox"/>	۱ - ۶۵ - ۸۴۸۴ - ۹۶۴	■ شابک:
<input type="checkbox"/>	۴۰۰ تومان	■ قیمت:

<input type="checkbox"/>	انتشارات مسجد مقدّس جمکران	■ مرکز پخش:
<input type="checkbox"/>	فروشگاه بزرگ کتاب واقع در صحن مسجد مقدّس جمکران	
<input type="checkbox"/>	۷۲۵۳۷۰۰ ، ۷۲۵۳۳۴۰ - ۰۲۵۱	■ تلفن و نمابر:
<input type="checkbox"/>	قم - صندوق پستی، ۶۱۷	■ آدرس:

﴿حق چاپ مخصوص ناشر است﴾

صبح

فرا می رسد

اللَّهُمَّ  
كُنْ لَوْلِيَّكَ  
الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ  
صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ  
فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ  
وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا  
وَعَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ  
طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا  
طَوِيلًا

... سلام

سلام بر بقیة الله

سلام بر روح خدا

سلام بر انسان کامل

سلام بر ولیّ خدا در زمین و زمان

سلام بر یادگار نبوت و خاتم امامت

سلام بر خلاصه‌ی خوبی‌ها، مهربانی، عبودیت و دانایی‌ها

سلام بر میرِ مهر، نشان عدالت، درمان دردهای کهنه‌ی انسان

سلام بر نماینده‌ی خدا

سلام بر روح ولایت، لیلۃ‌القدر، قرآن سخنگو

سلام بر منتقم خون حسین علیه السلام و رنج زینب علیها السلام

سلام بر مهدی علیه السلام که عدالت در فراقش بی تاب است

و سلام بر فرزند فاطمه علیها السلام مهدی (عجل الله تعالی فرجه)

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

در این دفتر تصمیم دارم از حرف‌های کلیشه‌ای چیزی نگویم، البته همان حرف‌های همیشگی را با تفکر و ذوق و احساس بیشتر، یکجا در این دفتر جمع کنم. آخر می‌دانید چرا؟ زیرا شما برای خودتان کلی حرف دارید. برای این‌که خودتان را باور کنید و به بزرگی خودتان پی ببرید. حضرت علی علیه السلام شعر قشنگی دارد که ترجمه‌اش چنین است:

فکر می‌کنی که تو یک موجود کوچک هستی؟

خیر، دنیایی بسیار بزرگ در تو نهفته است.<sup>۱</sup>

بیایید با هم بنویسیم و با هم بیندیشیم تا با جهان بزرگ‌تر درون خود

---

۱. کتاب اربعین، شیخ ماحوزی، ص ۲۸۱؛ فیض غدیر شرح جامع صغیر، ج ۵، ص ۴۶۶.

۱۰ ..... صبح فرا می‌رسد

بیشتر آشنا شویم و شاید با این دفتر بتوانیم به درون هزارلای هزارتوی  
پرپیچ خود راه یابیم.

من اول کار را این طور شروع می‌کنم، شروعی که به آن، خطبه  
می‌گویند. خطبه در اول کتاب چیز خوبی است؛

اولاً: خدای خودمان را ستایش می‌کنیم و رسول خدا و اهل بیت را سلام  
می‌گوییم و ثانیاً: نشان می‌دهیم که ما اهل اعتقاد و باور هستیم. البته این را  
هم بگویم که امروزه در اول کتاب‌ها از خطبه خبری نیست، ولی من خوش  
دارم که به پیروی از هزار سال ادبیات دینی و به احترام عالمان بزرگ دین،  
خطبه را بیاورم:

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين.

ستایش و سپاس ویژه‌ی خداوندی است که یکتاست، در آفرینش  
بی‌همتاست، سخنوران در ستایش او می‌مانند و شمارشگران در شمردن  
نعمت‌هایش ناتوانند و اندیشه‌ها در شناخت او حیرانند و بندگان و آخرین  
رسولان به پرستش او شادمانند. درود بر محمد ﷺ رسول برگزیده





دوست دارم در چند سطر چند نکته بسیار ضروری را درباره‌ی امام زمان علیه السلام بگویم: وقتی که پیامبر، دین اسلام را معرفی کرد و سال‌ها به تبلیغ آن پرداخت، خدا به او گفت که حالا وقت آن است که مهم‌ترین کارِ پیامبری‌ات را انجام دهی، و آن، معرفی حضرت علی علیه السلام به عنوان امام و جانشین می‌باشد. در قرآن آمده است که: «ای پیامبر آنچه را بر تو نازل شده (امامت حضرت علی علیه السلام) را تبلیغ کن وگرنه هیچ کاری انجام نداده‌ای.»<sup>۱</sup> یعنی اگر چنین کاری نکنی، انگار تمام تلاش‌هایت پوچ شده‌اند. این آیه را آیه‌ی تبلیغ نام گذاشته‌اند.

پیامبر صلی الله علیه و آله در آخرین سفر حج خود، در جایی به نام «غدیر خم» که مثل چهار راه است و همه‌ی حاجیان از آنجا تقسیم می‌شوند و به شهرهای خود می‌روند، سخنرانی کرد و حضرت علی علیه السلام را معرفی نمود و فرمود: «او جانشین من و امام شماست؛ هر کس مرا قبول دارد و رهبر خود می‌داند، باید بعد از من، این علی را امام خود بداند و از او اطاعت کند.»<sup>۲</sup>

در پایان برای امام علی علیه السلام دعا کرد و مردم گروه گروه آمدند و امامت و جانشینی را به او تبریک گفتند.

۱. سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۶۷.

۲. مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۲، ص ۳۷۷؛ العمدة، ص ۱۹۵؛ الغدير، ج ۱، ص ۳۸۳.





پیامبر ﷺ در سراسر زندگی خود، همواره علی علیه السلام را ستایش می‌کرد و می‌فرمود که جانشین من علی خواهد بود. در حدیثی طولانی، رسول خدا ﷺ به یکی از یاران خود<sup>۱</sup> تمام امامان را معرفی کرد و نام برد.

بی‌تردید شما هم نام امامان را می‌دانید، اما دوست دارم این نوشتار به نام آنان مبارک شود و شما هم با خواندن این نام‌های مقدس کامتان شیرین شود. راستی می‌توانید فضای خالی میان کلمات را پر کنید؟

۱. امام اول؛ امام علی علیه السلام که به امیر ..... هم مشهور هستند.
۲. امام دوم؛ امام حسن مجتبی علیه السلام که به او کریم اهل بیت هم می‌گویند.
۳. امام سوم؛ امام حسین علیه السلام سیدال ..... که در سرزمین .....  
به همراه یاران خود شهید شدند.
۴. امام چهارم؛ امام سجاد علیه السلام است که به زین ال ..... هم مشهور است.
۵. پنجمین امام؛ امام باقر علیه السلام است.

---

۱. وی جابر ابن عبدالله انصاری است. پیامبر ﷺ به او فرمود که تو پنجمین امام را که همان من است به امام محمد باقر علیه السلام را خواهی دید و سلام مرا به او برسان. در این حدیث تمام امامان را نام برد.

صبح فرا می‌رسد..... ۱۵

۶. ششمین امام ما؛ امام جعفر صادق علیه السلام است که در گسترش دانش

و علم بسیار مشهور است و با نام صادق آل..... هم خوانده می‌شود.

۷. امام هفتم حضرت موسی بن جعفر علیه السلام است که به امام..... هم

مشهور است.

۸. امام هشتم که مرقد نورانی‌اش در ایران است..... نام

دارد.

۹. نهمین امام که جوان‌ترین امام هم هست حضرت امام جواد علیه السلام

می‌باشد.

۱۰. امام دهم، حضرت علی النقی علیه السلام است که به امام..... مشهور

است.

۱۱. یازدهمین امام ما حضرت امام حسن عسکری است که پدر امام

..... می‌باشد.

۱۲. دوازدهمین امام حضرت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) است

که به نام‌های قائم،.....، و..... هم

مشهور است.

پیامبر اسلام ﷺ فرمود: «... مهدی، زمین را پر از عدالت و خوبی می‌کند همان‌طور که پر از ظلم و بدی شده است.»<sup>۱</sup> امامان دیگر نیز درباره‌ی حضرت مهدی و ظهور آن حضرت و مسائل دیگر، حدیث‌های فراوانی گفته‌اند. آیا می‌توانید دو حدیث درباره‌ی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) بیابید؟ البته از بزرگ‌ترها هم می‌توانید کمک بگیرید.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

---

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ص ۲۲؛ عیون المعجزات، ص ۱۳۰.



حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) امید بزرگ بشر است. تمام ادیان آسمانی مژده‌ی آمدن او را داده‌اند. در کتاب‌های آسمانی بارها و بارها از آن حضرت سخن گفته‌اند: در تورات کتاب یهودیان، در انجیل کتاب مسیحیان، در زبور، زند و جاماسب و دَیْد - که همگی آنها کتاب آسمانی هستند و در ادیان مختلف مشهورند - از آمدن حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) و نابود شدن بدی و گسترش خوبی و عدالت سخن گفته‌اند. به عبارت دیگر می‌توان گفت که تمام بشر از مردی که عدالت را در سراسر جهان گسترش خواهد داد سخن گفته‌اند.

و اما معرفی دقیق‌تر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه):

همنام پیامبر اکرم ﷺ است. به نام‌های: مهدی، قائم، مصلح، حجت و بقیة الله هم مشهور است. پدرش، امام یازدهم حضرت امام حسن عسکری علیه السلام است و مادرش، نواده‌ی قیصر روم «ملیکا» است که با نام نرجس و سوسن هم خوانده می‌شود.

تاریخ تولد: نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری، یعنی تقریباً ۱۱۷۲

سال پیش. محل تولد آن حضرت، شهر سامرا از شهرهای عراق است.



امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) با سه واسطه فرزند امام رضا علیه السلام و با پنج واسطه فرزند امام صادق علیه السلام و با هشت واسطه فرزند امام حسین علیه السلام و با نه واسطه فرزند حضرت علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام دختر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مادر امامان علیهم السلام می‌باشد. درود خدا بر آنان باد.

چون ظهور او را تمام ادیان آسمانی وعده داده‌اند و خدا و پیامبر و امامان علیهم السلام همگی گفته‌اند که: او خواهد آمد، «موعود» نامیده شده است. چون برای نشر دین و عدالت و خوبی و نابودی ظلم و کفر و بدی قیام خواهد کرد، «قائم» نامیده شده است.

چون مسلمانان و تمام مستضعفان و دردمندان در انتظار اویند «منتظر» و چون از چشم‌ها غایب است، «امام غایب» و چون بر زمان هم امامت می‌کند<sup>۱</sup> «امام زمان» و چون برای هدایت انسان‌ها خواهد آمد، «هادی»

---

۱. یعنی بر زمان و گذر ایام، حکومت و ولایت می‌کند. می‌تواند زمان را بایستاند. می‌دانید که زمان همه چیز را پیر می‌کند؛ یعنی فرسایش، یعنی کهنگی، عمر آدمی یعنی گذر زمان بر انسان. امام زمان به قدرت خدا در دوران غیبت کاری کرده است که زمان نتواند بر او اثر بگذارد و پیرش کند به همین دلیل است که وقتی ظهور می‌کند مثل یک مرد چهل ساله است و هنگام ظهور، به قدرت خدا - که بر هر چیزی تواناست إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ کاری می‌کند که دوباره زمان بر او اثر بگذارد. این دلیل طولانی بودن عمر اوست. برخی گمان می‌کنند که مثل حضرت نوح عمر طولانی دارد، خیر، زیرا نوح هر سال پیرتر می‌شد و امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) چنین نیست.





پیش از این گفتم که پیامبر ﷺ و سایر معصومان علیهم‌السلام درباره‌ی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) بارها و بارها سخن گفته‌اند. بجاست که در این دفتر از زبان چهارده معصوم علیهم‌السلام چهارده حدیث درباره‌ی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) بیاوریم؛ چهارده غنچه از گلستان ولایت؛ چهارده نکته از دریای معرفت؛ چهارده گوهر ناب از گنجینه‌ی تمامی ناپذیر حکمت و وحی:

۱. پیامبر ﷺ فرمود: «امامان پس از من دوازده نفرند: علی جان! اوّل آنها تویی و آخر آنها قائم است که خدای بلند مرتبه، شرق و غرب جهان را به دست او فتح می‌کند.»<sup>۱</sup>

۲. امیر مؤمنان علی علیه‌السلام به فرزندش حضرت امام حسین علیه‌السلام فرمود: «حسین جانج نهمین فرزندات (= نسلِ پس از تو) همان است که به حق بر خواهد خاست و قیام خواهد کرد.»<sup>۲</sup>

۳. حضرت زهرا علیها‌السلام فرمود: «هنگام تولدِ حسین، پیامبر خدا ﷺ به

---

۱. الامامة والتبصرة، ص ۱؛ عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، ج ۲، ص ۶۷؛ کمال الدین و تمام النعمة، ص

۲۸۲؛ روضة الواعظین، ص ۱۰۲.

۲. الامامة والتبصرة، ص ۱؛ کمال الدین، ص ۳۰۴.

دیدم آمد جا و را به آغوش گرفت و به من پس داج و فرمود: فاطمه جان! حسین را بگیر که این پسر، امام است، پدرش هم امام است و از نسل او نه امام پاک، زاده خواهد شد که نهمین آنها حضرت قائم خواهد بود.<sup>۱</sup>

۴. امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود: «نهمین فرزند از نسل برادرم حسین، قائم خواهد بود، او که فرزندِ بهترین زنان است؛ خداوند در دوران غیبت او، عمرش را طولانی خواهد کرد تا آنکه با قدرت خود، او را ظاهر می‌نماید.»<sup>۲</sup>

۵. امام حسین علیه السلام فرمود: «از ما (اهل بیت) دوازده هدایت‌گر است: اول آنها علی بن ابیطالب و آخرین آنها امام برحق، قائم می‌باشد.»<sup>۳</sup>

۶. امام سجاد علیه السلام فرمود: «این آیه: وَ جَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ<sup>۴</sup>؛ و خداوند این خداپرستی را در همه‌ی ذریّه او تا قیامت، کلمه‌ی باقی گردانیدج دربارهی ما معصومان نازل شده است و امامت تا روز رستاخیز از نسل حسین بن علی بن ابیطالب است و برای قائم ما دو گونه غیبت خواهد بود.»<sup>۵</sup>

۲. کمال الدین، ص ۳۱۶.

۴. سوره‌ی زخرف، آیه‌ی ۲۸.

۱. کفایة الاثر، ص ۱۹۴.

۳. عیون اخبار ارضا، ج ۲، ص ۶۹.

۵. کمال الدین، ص ۳۲۳.

۷. امام باقر علیه السلام فرمود: «دوازده مُحَدَّث (= سخنگو، حکیم، امام) از

ماست، هفتمین نفرِ نسلِ پس از من قائم خواهد بود.»<sup>۱</sup>

۸. امام صادق علیه السلام فرمود: «امامی که پس از من است، موسی است، و پس

از همه‌ی امامان، همان فرزندی امام است که (بشر) در آرزوی او بوده

است: محمد پسر (امام) حسن (عسکری) پسر (امام) علی (هادی) پسر

(امام) محمد (تقی) پسر (امام) علی بن موسی (الرضا) علیه السلام است.»<sup>۲</sup>

۹. امام کاظم علیه السلام فرمود: «... قائم، همان است که زمین را از وجود

دشمنانِ خدا پاک و آن را از عدالت پر می‌کند همان‌طور که از ظلم پر شده

است. او پنجمین نسلِ من است.»<sup>۳</sup>

۱۰. امام رضا علیه السلام فرمود: «قائم... همو که چهارمین نسلِ پس از من

است.»<sup>۴</sup>

۱۱. امام جواد علیه السلام فرمود: «(قائم) همان است که نسلِ سومِ فرزندان من

است.»<sup>۵</sup>

۲. کمال الدین، ص ۳۳۴.

۴. کمال الدین، ص ۳۷۲.

۱. کتاب الغیبة نعمانی، ص ۹۶.

۳. کفایة الاثر، ص ۲۶۹.

۵. الامامة والتبصرة، ص ۲.

۱۲. امام هادی علیه السلام فرمود: «امام پس از من پسر م حسن و پس از او فرزندش قائم خواهد بود.»<sup>۱</sup>

۱۳. امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: «پسر م محمد، همان است که امام و حجّت پس از من است؛ هر که بمیرد و او را به امام بودن شناسد مانند دوران جاهلیت پیش از اسلام مرده است.»<sup>۲</sup>

۱۴. امام زمان علیه السلام فرمود: «... خدایا! به وعده‌ای که داده‌ای جامه‌ی عمل بپوشان و در کارم یاورم باش و گام‌های مرا استوار ساز و به وسیله‌ی من زمین را پر از عدالت و دادگری کن.»<sup>۳</sup>

از خواندن این روایت‌ها به این مطلب می‌رسیم که معصومان علیهم السلام برای اثبات و تأکید مسئله امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) همواره درباره‌اش سخن می‌گفتند، تا مبدا دیگران درباره‌اش تردید کنند.

تمرین (۱): چهارده روایت و حدیث از چهارده معصوم علیهم السلام بیاورید. موضوع حدیث‌ها مختلف باشد. بدون محدودیت. (جداگانه یادداشت کنید)

تمرین (۲): در چند سطر برای ما بنویسید که معنی نام‌های دیگر آن

۲. کمال الدین، ص ۴۰۹.

۱. کمال الدین، ص ۳۸۳.

۳. روضة الواعظین، ص ۲۵۹.





صبح فرا می رسد .....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

### امام زمان علیه السلام را چقدر دوست داریم؟

بر اساس آیات قرآن<sup>۱</sup> و سخن پیامبر صلی الله علیه و آله<sup>۲</sup> و امامان علیهم السلام<sup>۳</sup> باید امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) را بیشتر از خود و پدر و مادرمان دوست داشته باشیم. در این باره باید بگویم که ما وظیفه داریم که خدا و چهارده معصوم علیهم السلام (از پیامبر تا امام زمان) را از هر کس و هر چیزی بیشتر دوست داشته باشیم، چون آنها برای ما مهربان‌تر از پدر و مادر هستند. از اول آفرینش تا زمان ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) بدها و ستمگران هم حکومت کرده‌اند:

بدان	خوبان
قایل	هایل
فرعون	حضرت موسی <small>علیه السلام</small>
ابوسفیان و مشرکان	حضرت محمد <small>صلی الله علیه و آله</small>
معاویه	امام علی <small>علیه السلام</small>
یزید	امام حسین <small>علیه السلام</small>
استکبار	امام خمینی <small>رحمته الله علیه</small>

۲. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۵۲.

۱. سوره احزاب، آیه ۶.

۳. کافی، ج ۱، ص ۲۸۸.

۲۸ ..... صبح فرا می‌رسد

اما پس از ظهورِ امام زمان علیه السلام فقط خوبان و عدالت‌گران ور است‌گویان حکومت می‌کنند و بدی و ظلم بسیار کم خواهد شد.<sup>۱</sup>

از زمان حضرت آدم تا زمان ظهور، شیطان قوی و پُر توان است، ولی در زمان ظهورِ امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) شیطان، ضعیف و گناه کم خواهد شد.<sup>۲</sup>

به نظر شما شیطان چیست و چه می‌کند؟ در این باره هرچه می‌دانید بنویسید.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

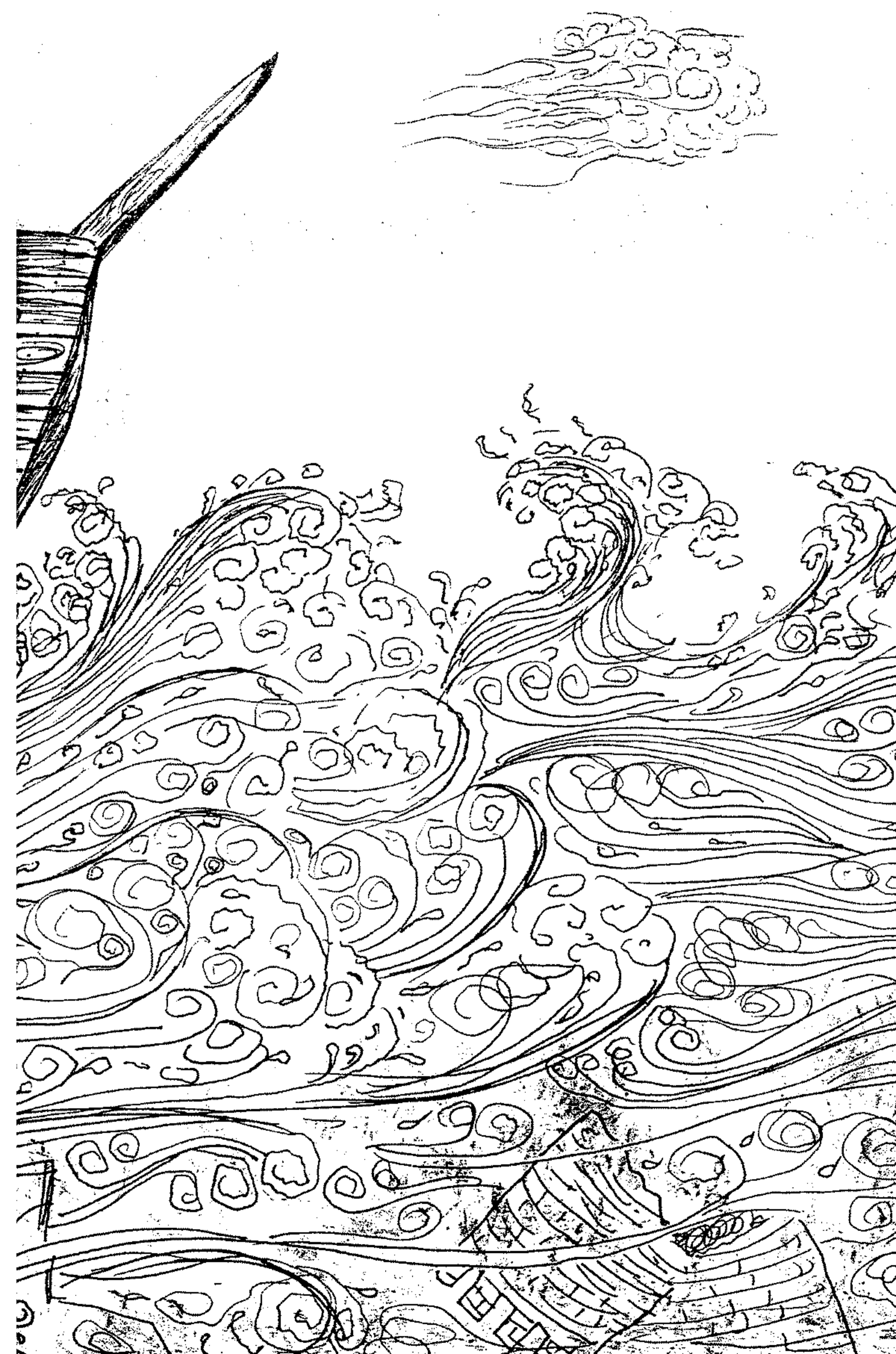
.....

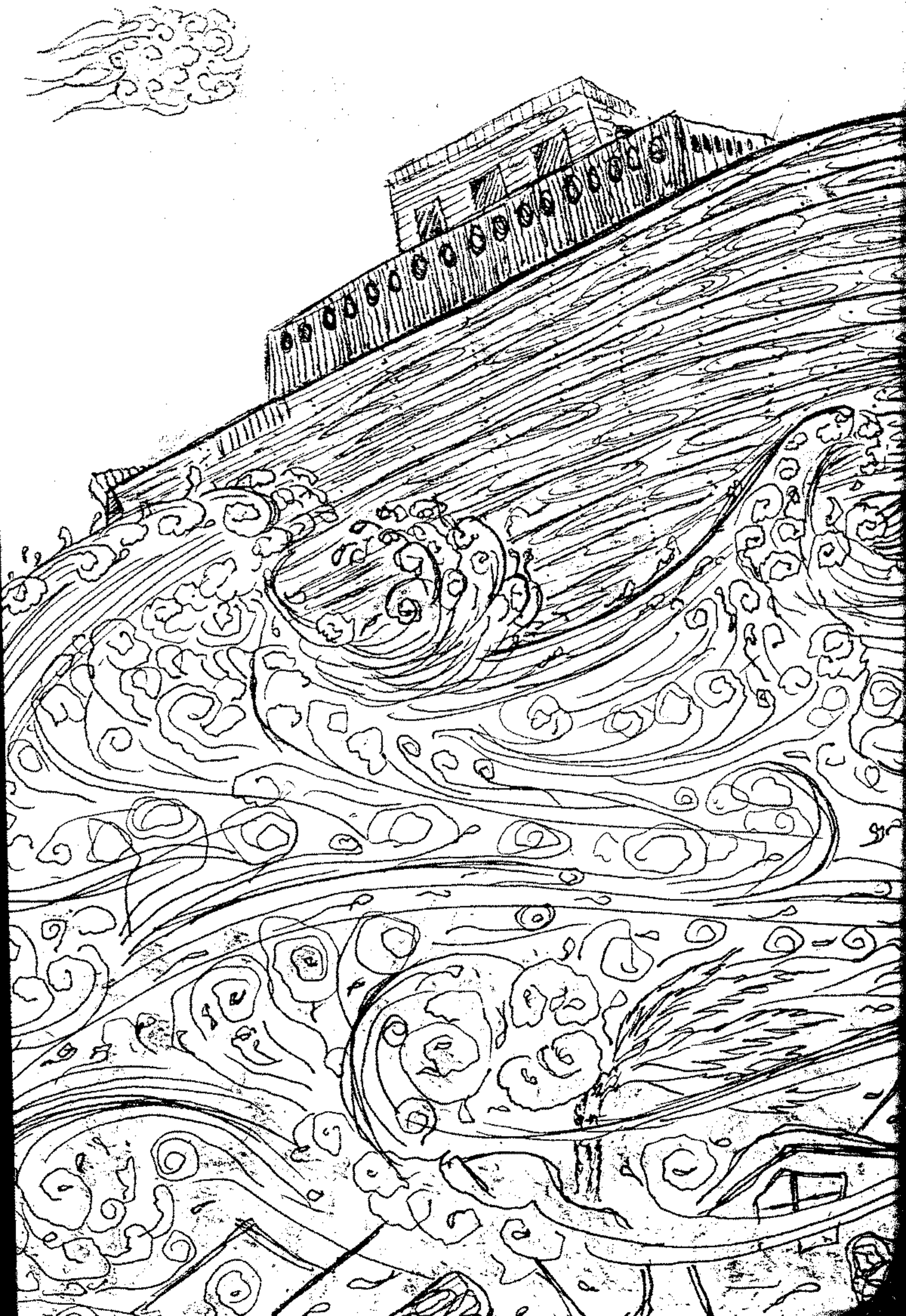
۲. کمال الدین و تمام النعمة، ص ۳۶۹.

۱. بحار الانوار، ص ۵۱، ص ۴۷.









امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) به پیامبران شباهت‌هایی دارد که به چند مورد اشاره می‌کنیم.

### شباهت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) به حضرت نوح علیه السلام:

۱. حضرت نوح به گفته‌ی امام صادق علیه السلام ۲۵۰۰ سال عمر کرد و ۹۵۰

سال عمر خود را صرف تبلیغ و هدایت و صبر نمود.<sup>۱</sup>

امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) نیز تا کنون که سال ۱۴۲۷ قمری

است، ۱۱۷۲ سال عمر کرده است که تقریباً تمام این مدت را - به جز پنج

سال - در غیبت بوده و صبر کرده است.

۲. حضرت نوح زمین را از بدی و بددان پاک کرد و امام زمان (عجل الله

تعالی فرجه) نیز: «زمین را پر از عدالت و خوبی می‌کند همان‌گونه که پر از

ظلم و بدی شده است».<sup>۲</sup>

۳. هر کس در کشتی نوح سوار شد نجات یافت و هر کس نشد، نابود

شد. ولایت هم مثل کشتی است، هر کس پیرو ولایت و امامان نیست نابود

---

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ص ۵۲۳.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ص ۲۲؛ روضة الواعظین، ص ۱۰۰؛ الفیبة، ص ۵۰؛ الطوائف، ص ۱۷۶.

خواهد شد<sup>۱</sup> و امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) کشتی‌بان این کشتی است که آن را از گرداب‌های گناه و ستم نجات می‌دهد.

۱. داستان زندگی نوح را بیان کنید. (در برگه‌ای جداگانه بنویسید).

۲. حدیثی بنویسد که در آن ولایت به کشتی تشبیه شده است.

یک نکته: بچه‌ها، می‌دانید که حضرت علی علیه السلام پس از ۲۵ سال خانه‌نشینی و دوری، به حکومت رسید و در اولین سخنرانی خود فرمود: «۲۵ سال صبر کردم در حالی که در چشمانم خار و در گلویم استخوان بود.»<sup>۲</sup> یعنی بدی و ظلم را می‌دیدم و نمی‌توانستم سخن بگویم. نیز تاکنون امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) ۱۱۷۲ سال است که بدی‌ها را می‌بیند

---

۱. عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۳۰.

۲. خطبه سوم نهج البلاغه؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۵۱.





### شباهت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) به حضرت موسی علیه السلام:

۱. ولادت حضرت موسی پنهانی بود. مادر حضرت موسی، به لطف خدا توانست نوزاد خود را پنهانی به دنیا آورد؛ زیرا فرعون می‌دانست که مردی زاده خواهد شد و او را نابود خواهد کرد بنابراین دستور داد تمام نوزادان پسری که در قبیله‌ی بنی‌اسرائیل زاده می‌شوند، کشته شوند تا آن نوزاد هم جزو مردگان باشد. اما خدا او را نجات داد و در کاخ فرعون رشد کرد و بزرگ شد.<sup>۱</sup>

امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) نیز مانند حضرت موسی تولدی پنهانی داشت. تا شب ولادت، آثار بارداری در مادرش، حضرت نرجس دیده نشد زیرا حاکم آن زمان می‌دانست که به زودی فرزندی از نسل امام حسن عسکری علیه السلام زاده خواهد شد که مهدی است و برای نابودی ظلم قیام خواهد کرد. پادشاه برای این کار جاسوسانی را گمارده بود تا دقیقاً مواظب خانه‌ی امام حسن عسکری علیه السلام باشند. اما خداوند او را حفظ کرد و تا پنج سالگی - که پدرش شهید شد - کسی از بودن او خبر نداشت، به جز چند نفر از یاران و شیعیان با وفا.<sup>۲</sup>

---

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ص ۱۴۸. ۲. کمال الدین و تمام النعمة، ص ۴۲۸.



۲. شباهت دیگر، آن است که حضرت موسی دوبار از قوم خود غیبت

کرد، اما کوتاه.<sup>۱</sup> حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه)، هم دوبار غیبت

کرد: غیبت صغری (کوچک) و غیبت کبری (طولانی).<sup>۲</sup>

۳. هنگامی که حضرت موسی علیه السلام از قوم خود غیبت کرد، آنان در رنج

وسختی افتادند؛<sup>۳</sup> اینک نیز چنین است؛ در فراق حضرت مهدی (عجل الله

تعالی فرجه) شیعیان در انواع بلاها و رنج‌ها گرفتارند و با ظهور آن حضرت،

تمامی این رنج‌ها به پایان خواهد رسید.

از روی یک نقشه، کشورهای مسلمانی را که در آنها جنگ بوده نام

برده و بگویید که علت این همه بی‌عدالتی و جنگ در دنیا چیست؟

.....

.....

.....

.....

.....

۲. کافی، ج ۱، ص ۳۴۰.

۱. همان، ص ۱۴۶.

۳. کمال الدین و تمام النعمة، ص ۱۴۵.

### شباہت امام‌زمان (عجل الله تعالی فرجه) به حضرت عیسیٰ علیه السلام

۱. مادر حضرت عیسیٰ بهترین و پاک‌ترین زنانِ زمانِ خود بود<sup>۱</sup>

و حضرت نرجس خاتون نیز چنین ویژگی داشت.<sup>۲</sup>

۲. امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) مانند حضرت عیسیٰ در گهواره

سخن گفت.<sup>۳</sup>

بنویسید که حضرت عیسیٰ در گهواره‌ی خود چه گفت؟ (به سوره‌ی

مریم مراجعه کنید).

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

---

۱. معانی اخبار، ص ۱۰۷.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۲. حضرت علی علیه السلام به یکی از یاران خود گفته بود که بهترین زنان

عالم فاطمه‌ی زهرا علیها السلام و بهترین کنیزان عالم مادر حضرت قائم است.

۳. کمال الدین، ص ۴۳۰.

شبهات‌های امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) به جد گرامی خود

حضرت محمد ﷺ:

همنامی، یکی از آن شبهات‌هاست. از نظر رخسار و اندام نیز به آن

حضرت بسیار شبیه است. شیوه‌های اخلاقی امام زمان (عجل الله تعالی

فرجه) نیز بسیار شبیه رسول اکرم ﷺ است.<sup>۱</sup>

چند ویژگی اخلاقی پیامبر را بنویسید؛ مثلاً: همیشه پیش از دیگران

سلام می‌کرد. همیشه عطر می‌زد و.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



۴۰ ..... صبح فرامی‌رسد

امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) زهد و شجاعت امام علی (علیه السلام)، بردباری امام حسن (علیه السلام)، دلاوری امام حسین (علیه السلام)، شوق پرستندگی و عبادت امام سجاد (علیه السلام)، همگونی و هم‌چهرگی امام باقر (علیه السلام)، دانایی امام صادق (علیه السلام) و صفات سایر امامان (علیهم السلام) را داراست.

همچنین آن حضرت مانند قرآن «حبل الله» است<sup>۱</sup>: ریسمان محکم الهی و واسطه‌ی فیض خداوند و نیز هدیه‌ی خداست. امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) مانند قرآن برای راهنمایی بشر بوده و مانند قرآن مایه‌ی هدایت، شفا و رهایی می‌باشد. اگر قرآن معجزه بزرگ خداست که هست، امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) نیز یک معجزه‌ی بزرگ خداوندی است. چرا حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) یک معجزه است؟ در چند سطر بنویسید.

.....

.....

.....

.....

در زمان غیبت چه کنیم؟ اگر ما در انتظار خوب‌ترین مرد عالم هستیم آیا نباید خود نیز مسیر خوبی و درستی را طی کنیم. آن‌که در انتظار خوب‌ترین است خود نیز باید خوب باشد. دیگر آن‌که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) هر چند از چشم‌هایمان پنهان است ولی خواسته‌ها و آموزه‌ها و راه او کاملاً آشکار است. آیا مگر نه این است که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) بر پایه قرآن و عدالت، جهان را دگرگون خواهد کرد، پس چرا ما راه قرآن و عدالت را نپوییم؟

در یک جمله خلاصه کنیم که ما در زمان غیبت باید «امر» او را اطاعت کنیم.<sup>۱</sup> اطاعت امر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) موجب دوستی و ارتباط با آن حضرت است.

می‌توانیم با امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) دوست شویم.

می‌توانیم همیشه به یاد او باشیم چون او هم همواره به یاد ماست.

می‌توانیم با اطاعت کردن از فرمان‌های دین، دل مهربان او را شادمان

کنیم.





۴۴ ..... صبح فرا می‌رسد

ما انسان‌ها وظیفه داریم که فرمان خدا را اطاعت کنیم. اطاعت خدا موجب پاداش، و ترک آن موجب عذاب و کیفر می‌شود. اطاعت از فرمان پیامبر و امامان علیهم‌السلام در واقع اطاعت از فرمان خداست؛<sup>۱</sup> زیرا آنان واسطه‌ی میان خدا و مردم هستند و سخن خدا را به مردم می‌رسانند و انسان را به سوی خوبی دعوت می‌کنند. پس اطاعت امرِ امامان معصوم علیهم‌السلام همان اطاعت امر خداست.<sup>۲</sup>

ما در زمانی زندگی می‌کنیم که امامان در غیبت به سر می‌برند. برای شاد کردن دل او باید امر او را اطاعت کنیم.

چه کارهایی موجب خشنودی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) می‌شود و چه کارهایی موجب ناراحتی آن حضرت می‌شود؟

.....

.....

.....

.....

۲. همان، ص ۲۰۶.

۱. کافی، ج ۱، ص ۱۴۳.



وزمان عروسی مشخص شد. آن روز فرا رسید و در سالن مرکزی کاخ، جشن پرشکوهی برگزار شد. فرماندهان، وزیران، کارگزاران و مستولان حکومتی با کبکبه و دبدبه از راه رسیدند.

اسقف اعظم به همراه انبوهی از کشیشان مشهور برای مراسم عقد حاضر شد. به دستور پادشاه، مجلس شادی برگزار شد و با انواع شیرینی و میوه‌ها از مهمانان پذیرایی شد.

ملیکا در جایگاه مخصوصی در کنار جمعی از زنانِ دربار نشسته بود و از فراوانی و سنگینی طلاها و جواهرات خود در رنج بود.

پدرش پادشاه کشور بزرگ روم است و امروز روز شادی است. تمام کشور در جشن و شادی به سر می‌برد. اسقف پیش آمد تا خطبه‌ی عقد را بخواند و داماد پیش رفت تا دست عروس را بگیرد. در همین هنگام صدای خفیفی برخاست و صدای به هم خوردن چلچراغ‌های آویخته‌ی سقف شنیده شد. در پی آن زمین لرزید و لرزش هر دم شدیدتر شد. مجسمه‌ها فرو ریخت و مردم به زمین خوردند. مجلس از هم پاشید و ملیکا با دلی شکسته، تمام روز در اتاق خود بود.



فردای آن روز ملیکا سرخوش برخاست و شاداب و خندان به باغ سرسبز خود رفت. خواب دیده بود که حضرت عیسیٰ علیه السلام به همراه حواریون خود که شمعون از جمله‌ی آنها بود به استقبال پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله رفت و پیامبر اسلام ملیکارا از حضرت عیسیٰ علیه السلام خواستگاری کرد و او هم پذیرفت. ملیکا در خواب نگاهی به همراهان پیامبر انداخت: دوازده نفر بودند و در خواب حدس زد که یکی از آن مردان زیبارو داماد باشد و حدسش هم درست بود.

نامش حسن بود. از خواب برخاسته و تمام غمِ دیروز را از دلِ پاکِ خود بیرون کرد.

کاخ نشینان هم از دیدن شادابی ملیکا شگفت‌زده بودند. پادشاه هم از دیدن این شادابی خوشحال شد. گمان نمی‌کرد ملیکا، یگانه دخترش، روحیه خود را باز یابد. تصمیم گرفت که بار دیگر مجلس جشن را برگزار کند و کرد. بار دیگر و حتی بهتر و بیشتر، مجلس شادی به راه افتاد. همان مهمانان و همان مراسم و باز هم، شگفتا، همان رویداد و لرزه‌ی زمین و افتادن مجسمه‌ها و ترس!

اما این بار ملیکا هرگز نترسید. انگار انتظارش را داشت. طرح کمرنگی از لبخندی ملیح بر لبانش بود. اگر علت لبخندش را می‌پرسیدی می‌گفت: «آخر بنا نیست من همسر پسر عمویم شوم. من همسر آن جوانی خواهم شد که نامش حسن است و اصلاً مسیحی نیست. پسر یکی از پیامبران که دوست حضرت عیسی علیه السلام است.»

راز خود را پنهان نمود و با خوشحالی به درون اتاق خود رفت. منتظر و شگفت زده بود. شب شد و به خواب رفت و دوباره همان خواب شیرین را دید اما این بار به گونه‌ای دیگر؛ حضرت مریم، از بانویی راست قامت و زیبا و بی‌مانند، پذیرایی می‌کرد.

- این بانو کیست؟

ملیکا پرسید و جواب شنید: - این خانم، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام دختر پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و مادر همه‌ی امامان است.

فاطمه‌ی زهرا علیها السلام فراتر از تصور، و خوش‌سخن و مهربان بود.

ملیکا پرسید:

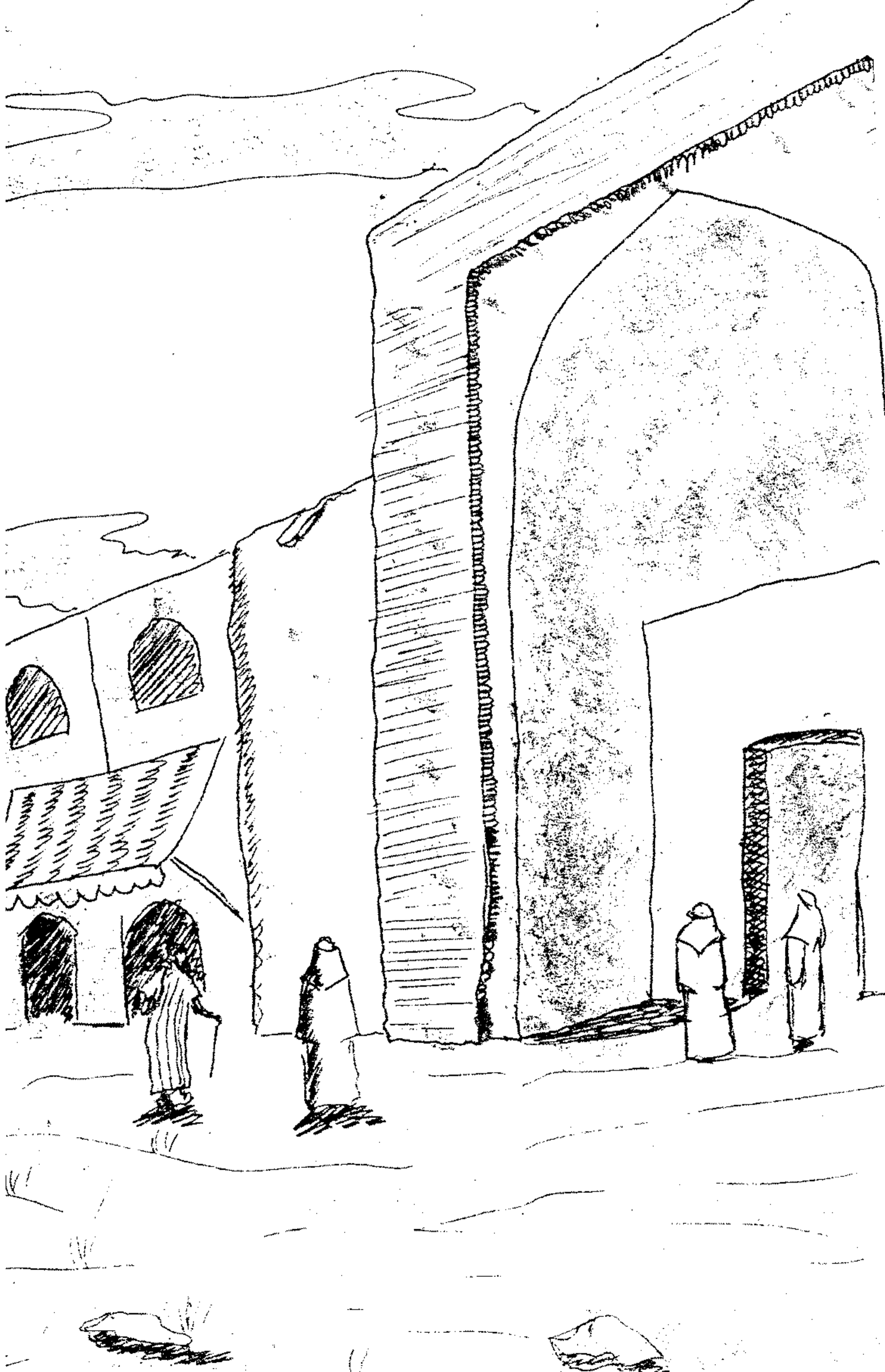
- او مادر حسن هم هست؟

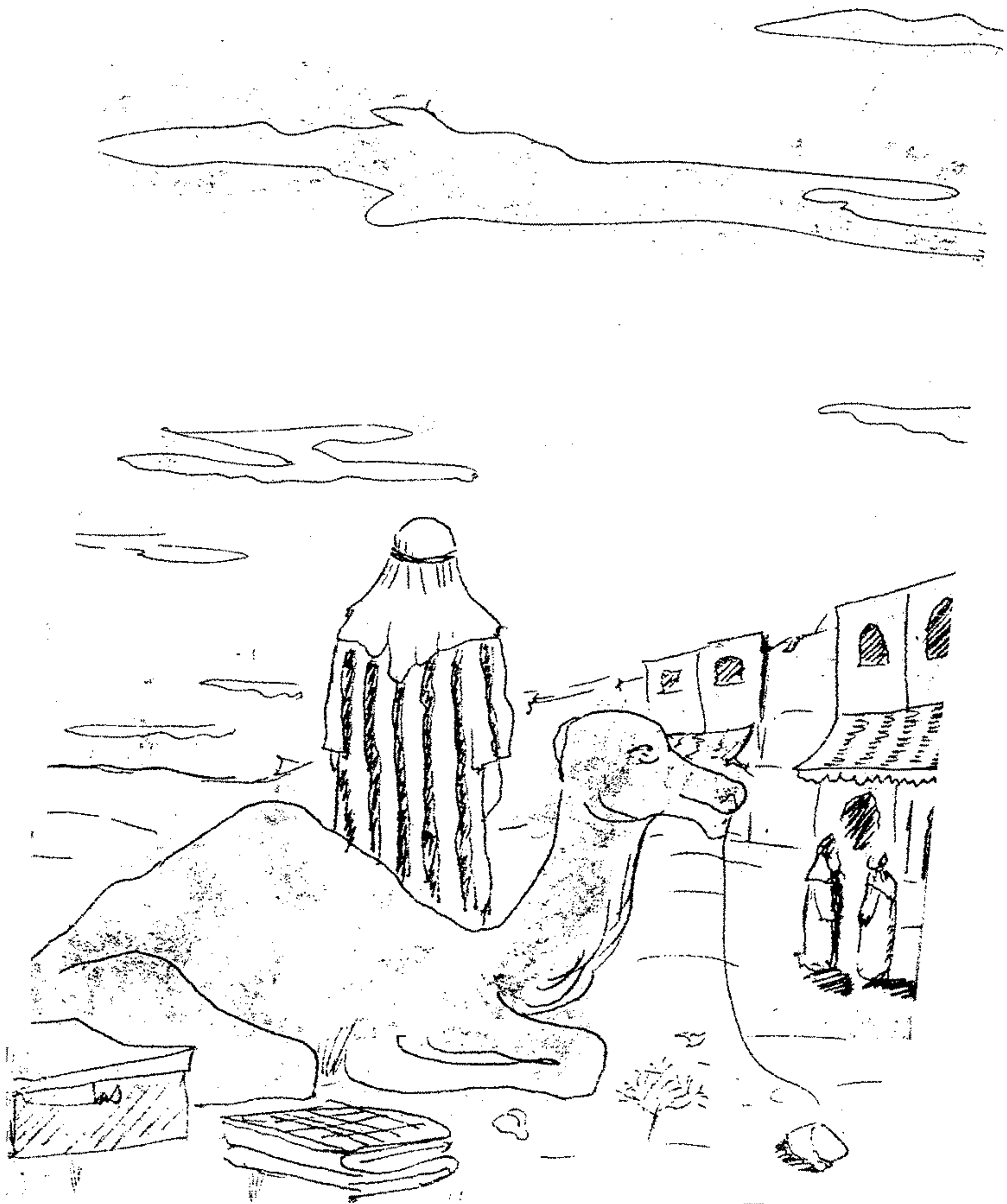
- آری، حسن از نهمین نسلِ او، فرزندِ نهم اوست.

ملیکا شاداب و شادان دید که فاطمه زهرا علیها السلام از حضرت مریم، او را خواستگاری کرد و دید که حضرت مریم، خوشحال‌تر از خودِ او، پذیرفت و گل خنده بر لبانش شگفت.

ملیکا از خواب بیدار شد ولی هنوز شب بود. روز بعد خوابی دیگر دید که در آن به او گفته شد که چند وقت دیگر میان مسلمانان و رومیان جنگی در می‌گیرد و این کاخ سقوط می‌کند. خودت را میان سبزه‌ها و شمشادها پنهان کن تا پدرت و خانواده‌ات بگریزند و خود را به همراه سایر کنیزان اسیر کن! بقیه‌اش با خداست.

چنین هم شد. جنگ، آتش، مرگ، فریاد و هراس. مسلمانان تا خود کاخ پیش تاختند. ملیکا رها از آرایه‌ها و طلاها، خود را در انتهای باغ، میان انبوه گیاهان زیبا پنهان کرد و منتظر ماند تا با اسیران همراه شود، و همراه هم شد. اسیران رنجور و غمگین و ترسان، اما ملیکا بی‌تاب و شاد. شادی‌اش را در دل پنهان می‌کرد تا مبادا، شادی‌اش همبندانش را بیازارد. او بی‌تاب دیدار بود، دیداری که عیسی علیه السلام و مریم علیها السلام را شادمان می‌کند.





حال قصه را از این طرف دنبال کنید؛ امام هادی علیه السلام امام دهم، به یکی از یارانش - که بسیار باوفا بود - نامه‌ای عجیب و غریب با خطوطی رومی به همراه کیسه‌ای پر از پول داد و به او گفت: به کنار دجله می‌روی، در آنجا برده‌فروشی را می‌بینی که کنیزکانِ رومی آورده است. او کنیزی ناآرام دارد که با همه‌ی کنیزان تفاوت دارد. پول را به برده فروش می‌دهی و نامه را به آن کنیز. هم برده فروش به این پول راضی است و هم آن کنیز به آمدن با تو. چنین کرد. در کنار رود دجله که مثل ماری بَرّاق از میان بغداد می‌گذرد، آمد. برده‌فروشی دید که تعدادی کنیز را برای فروش عرضه کرده بود. از میان آن زنان، یکی از آنها هرگز راضی نمی‌شد با کسی همراه شود. آن کنیز - که ملیکای قصه‌ی ماست - تا نامه را دید و خواند چهره‌اش مثل خورشید بامدادی و مثل غنچه رُز شکفت و آهی گرم، به نشانه‌ی پایان یافتن رنج‌ها و دل‌نگرانی‌ها، کشید و به برده فروش گفت که: - ای مرد، یا مرا به این سوار می‌فروشی یا خودم را زنده نمی‌گذارم.

ملیکای مهربانِ نازپرورده، اینک پر خاش و خشم را به کار برد تا همگان دلزده‌ی پر خاشجویی‌اش شوند تا کسی او را نخرد.

برده‌فروش هم از این معامله شاد بود. زیرا هم از دست کنیزی پرخاشگرها می‌شد وهم پولی به دست می‌آورد. برده فروش مبلغ را گفت و آن یار باوفای امام همان کسیه را به او داد. اتفاقاً مبلغ گفته شده با مبلغ درون کیسه یکی بود!

ملیکا همراه آن صحابی به سوی خانه‌ی امام هادی علیه السلام حرکت کرد؛ آرام و با وقار، سنگین و باهیت، مثل فرشته‌ی حیا و شرم و سرسپردگی به ولایت. در میان راه داستان زندگی خود را برای آن مرد گفت و ما هم در اول قصه همان را گفتیم، بی‌کم و کاست. آخر ملیکای نازپرورده پس از آن خواب‌های شیرین به یادگیری زبان عربی روی آورده بود.<sup>۱</sup>

حال بشنوید از خانه‌ی امام هادی علیه السلام؛ امام، کنیز را به خواهرش حکیمه خاتون که عمه‌ی امام حسن عسکری علیه السلام می‌شد سپرد تا هم همدم او باشد وهم احکام دین را به او بیاموزد.<sup>۲</sup>

ارادتِ ملیکا به امام حسن عسکری علیه السلام را که پیش از این گفتم. گفتم که در خواب شیفته‌ی این جوان شد و حکیمه خاتون از سر تجربه فهمید که

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ص ۴۱۸. ۲. همان، ص ۴۲۳.



امام حسن عسکری علیه السلام هم تمایل دارد که این بانو همسرش شود و حکیمه خاتون نیز وساطت کرد و با اجازه‌ی امام هادی علیه السلام این پیوند مبارک، سرگرفت.

تا اینجای داستان را نمی‌شد خلاصه کرد، اما از اینجا به بعدش را این طور خلاصه می‌کنم که حکیمه خاتون، سخت شیفته‌ی کمالات ملیکا شد که البته از اینجا به بعد هم نام «نرجس» بر او نهادند<sup>۱</sup> حکیمه ارادتمند نرجس شد و یک بار هم گفته بود که... نرجس جان، «من کنیزِ توام نه تو کنیزِ من».<sup>۲</sup>

امام هادی علیه السلام هم مثل پدران‌ش شهید شد و امام حسن عسکری علیه السلام، همسر نرجس، به امامت رسید و حاکمان هم به شدت مراقب و مواظب او بودند که صاحب فرزند نشود. یعنی تا بفهمند در آستانه پدر شدن هست، برای کشتن نوزادش بی درنگ اقدام کنند.

آخر می‌دانستند که این پسر همان مهدی است که تمام امامان و کتاب‌های آسمانی، وعده‌اش را داده بودند و بناست حکومت ظلم را از ریشه برگَند.

حکیمه خاتون می‌گوید: روزی امام حسن عسکری علیه السلام سراغم فرستاد. دمِ غروب بود، امام فرمود: عمّه جان! امشب، نیمه شعبان است. افطارت را در خانه‌ی من بگذران که امشب بناست خداوند حجّت خود را، آشکار کند. گفتم: آخر عمّه جان، از کدام مادر؟

- نرجس.

- فدایت شوم، اثری از بارداری در او نیست.

- همین است که گفتم.

پیش نرجس رفتم. سلام کردم و نشستم. آمد که کفشم را از پایم

در آورد و گفت:

- بانوی من و بانوی همه‌ی کسانم، حالتان چطور است؟

گفتم: نگو، دخترم! تو بانوی من هستی و بانوی همه‌ی کسانم.

از حرفم خوشش نیامد و گفت:

- عمّه جان چه می‌گویی؟

جریان را به او گفتم:

- دخترم، خدای متعال همین امشب به تو پسری عطا خواهد کرد که در

دنیا و آخرت سرور و سالار می‌باشد.

شرم کرد و خجالت کشید و نگاهش را از من پنهان کرد. بعد از نماز عشا افطار نمودم و به رختخواب رفتم. آخر کدام خواب؟ نیمه‌های شب برخاستم و نگاهی به نرجس انداختم: خواب بود، بی هیچ رنجی و اتفاقی. نشستم و کمی ذکر گفتم و کمی خوابیدم و برخاستم، با نگرانی برخاستم. او هم خواب بود. برخاست و به نماز شب ایستاد و دوباره خوابید. من هم بیرون آمدم و به آسمان نگریستم که فجر شده است یا خیر. فجر اول شد و او هنوز خواب بود. کمی شک کردم، در دلم کمی تزدیدم که امام حسن عسکری علیه السلام از اتاق مجاور صدایم کرد:

- عمّه جان! شک نکن، حادثه‌ی مبارک نزدیک است.

نشستم و سوره‌ی سجده و یاسین را خواندم که ناگاه نرجس از خواب پرید، دردش گرفت.

گفتم: خدا کمکت کند، آیا چیزی احساس می‌کنی عزیزم؟

گفت: بله عمّه جان، بله.

- این همان مژده ایست که به تو دادم. دست‌بکار شدم، تا آن‌که وجود

مولایم حضرت قائم را احساس کردم.

ناگهان پرده‌ای بین من و نرجس ایجاد شد و من نگران به نزد امام رفتم. امام فرمود: عمّه جان! برگرد که او را خواهی دید برگشتم و دیدم نوری سر تا پای نرجس را فراگرفته. آخر او مادر نور بود. در میان نور کودکی را دیدم که حضرت مهدی رو به قبله سجده کرد، شکر گفت، قرآن خواند، خدایا... بغلش کردم و در پارچه‌ای پیچیدم.

سبحان الله! چقدر پاکیزه است، و چه نورانی! امام عسکری علیه السلام از اتاق

مجاور صدایم کرد!

- عمّه جان! پسر مرا بیاور.

او را پیش پدرش بردم. خورشیدی در آغوش خورشیدی دیگر، چشم

در چشم هم. فدایشان شوم...<sup>۱</sup>

تا اینجا را از زبان حکیمه خاتون خواندید. تاریخ هم همین سخن را

تأیید می‌کند.

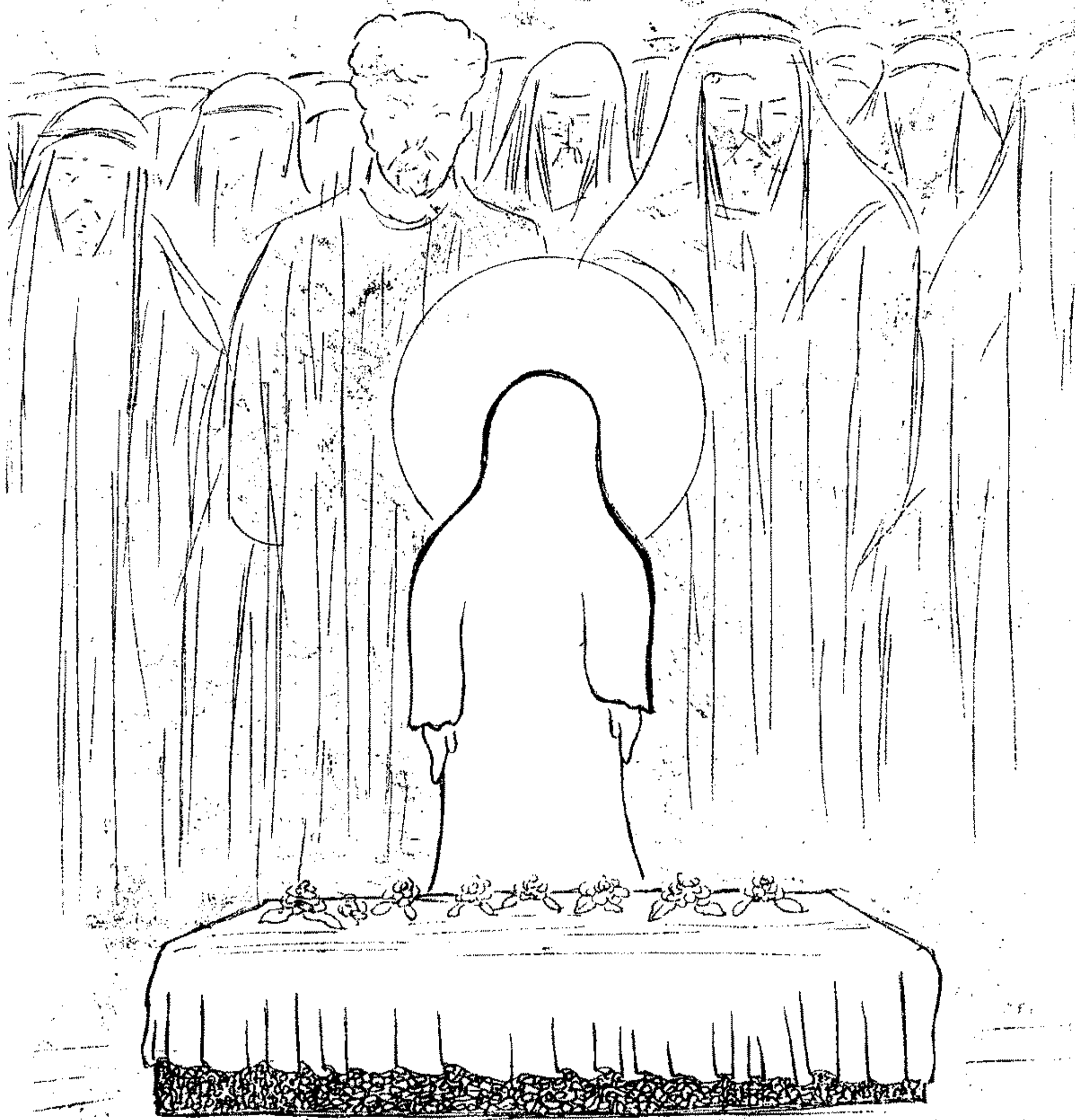
خدا می‌داند که چقدر دوست دارم حکایت اضطراب ستمگران از

ولادت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) و قصه نماز میّت خواندن امام

۵۸..... صبح فرامی‌رسد

زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ بر جنازه پدر بزرگوارش و... را بگویم، ولی راستش را بخواهید، خیلی طول می‌کشد. خودتان قصه را از بزرگ‌تره‌ایتان پرسید.

یک نقاشی بکشید، خیالی، از کره‌ی زمین و نقش امام زمان (عَجَلُ اللهُ تَعَالَى فرجه) در پاکسازی آن از شر ظلم و بدی.



پیامبر اکرم ﷺ حضرت مهدی علیه السلام را به خورشید پشت ابر تشبیه کرده

است.<sup>۱</sup> آیا می‌توانید برای این تشبیه مواردی را بیان کنید؟ مثلاً:

آفتاب گرچه پشت ابر است، نور می‌دهد. اگر آفتاب پشت

ابراست، شب نیست. اگر آفتاب پشت ابر باشد، باز هم

می‌توانیم از آن استفاده کنیم، اما اگر اصلاً خورشید نباشد،

نمی‌توانیم و...

وقتی که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) پنج ساله شد، پدرش امام

حسن عسکری علیه السلام به شهادت رسید.<sup>۲</sup> امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) از

آن زمان به مقام امامت ورهبری رسید. آن روز در پنج سالگی بر جنازه‌ی

پدر خود نماز خواند و مردم در عین ناباوری به وجود او پی بردند. از

طرفی، حکومت آن زمان دست به کار شد تا او را دستگیر کنند، ولی او، به

اذن خدا، از چشم‌ها پنهان شد و این غیبت ۶۹ سال طول کشید که به آن

«غیبت صغری» می‌گویند.<sup>۳</sup> از آن پس تا امروز امام زمان (عجل الله تعالی

فرجه) از چشم‌ها غایب است که به آن «غیبت کبری» می‌گویند.<sup>۴</sup>

۲. بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۳۳۵.

۴. بحارالانوار، ص ۵۱، ص ۳۶۶.

۱. امالی صدوق، ص ۲۵۳.

۳. کافی، ج ۱، ص ۳۴۱.



در دوران غیبت صغریٰ رابطه‌ی امام به کلی قطع نشد، اما بسیار محدود بود و هر که می‌خواست می‌توانست «نواب اربعه» را - که از عالمان شیعه بودند - ببیند و موضوع خود را به آنها بگوید و آنان نیز با امام علیه السلام مطرح کنند. نواب اربعه کارشان این بود که میان امام علیه السلام و مردم ارتباط محدود و پنهانی برقرار کنند. آنان نامه‌ها و سؤال‌های مردم را دریافت می‌کردند و آنها را به امام علیه السلام می‌رساندند و آن حضرت هم پاسخ می‌دادند. این چهار نایب به ترتیب عبارتند از:

۱. ابو عمرو عثمان بن سعید عمری؛

۲. ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری؛

۳. ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی؛

۴. ابوالحسن علی بن محمد سمّری.<sup>۱</sup>

تا پایان دوره‌ی غیبت صغریٰ این افراد مستقیماً با امام زمان علیه السلام دیدار می‌کردند. پس از مرگ چهارمین نایب، به دستور امام علیه السلام مسئله‌ی نیابت خاص به نیابت عام تبدیل شد و غیبت سنگین‌تر و دشوارتر گردید.

## در زمان غیبت کبری چه باید کرد؟

به دستور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) در دوران غیبت کبری، نایب خاصی وجود ندارد و هیچ کس نمی‌تواند امام علیه السلام را ببیند و باید به «نایبان عام» مراجعه کرد. خود امام فرموده بود: «در پیشامدها و رویدادها به راویان حدیث ما رجوع کنید که آنان حجّت من بر شما هستند و من حجّت خدا می‌باشم.»<sup>۱</sup>

پس در این دوران باید به عالمان دین - اگر با نفس خود مبارزه کرده‌اند و مواظب دین خود هستند و امر امام و ولایت را به خوبی پذیرفته‌اند - مراجعه کرد.

امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «انتظارِ فَرَج (انتظارِ ظهور) برترین نوع عبادت است.»<sup>۲</sup>

انتظار، هم تمرین وفاداری و اطاعت است، هم موجب آسان شدن رنج‌ها می‌شود، هم شوق و علاقه‌ی به امام علیه السلام را زیاد می‌کند، هم آدمی را برای ظهور آماده‌تر می‌سازد و هم مؤمن واقعی از مؤمن غیرواقعی

صبح فرا می‌رسد..... ۶۳

مشخص‌تر می‌شود. پس انتظار آن نیست که دست روی دست بگذاریم،

بلکه، انتظار، یعنی آماده شدن و تمرین وفاداری.





گفتیم که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) هر چند در پرده‌ی غیبت است؛ اما شیعیان را همواره مدد می‌رساند و به خورشید پشت ابری می‌ماند که از شب شدن جلوگیری می‌کند. توجه امام زمان علیه السلام خیلی زیاد است و داستان‌های فراوان دارد بجااست داستانی از عنایت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) به شیعیان را بیاوریم که اگر فرصت می‌بود، ده‌ها وصدها داستان دیگر می‌آوردیم و این، یعنی عنایت حضرت حجّت، از حد شمارش بیرون است.

### ما بی‌کس نیستیم!

... یک قرن پیش که استعمار پیر انگلیس بر کشورهای ضعیف شرق چیره می‌شد، بحرین که یکی از مراکز تجمع شیعیان بود زیر سلطه آن کشور رفت و آن‌ها یک نفر از مسلمانان سنی را به پادشاهی برگزیدند تا از منافع آنان حمایت کند. این حاکم هر چند شیعه نبود، اما با شیعیان مهربان بود. از سوی دیگر وزیری داشت باهوش وزیرک ولی دشمن سرسخت شیعیان که از هر فرصتی برای آزردن آنان بهره می‌برد. روزی این وزیر/با



صبح فرامی‌رسد..... ۶۷.....

اناری در دست، خندان و خرامان وارد دربار شد و به نزد حاکم رفت و گفت:

سبحان الله حقانیت اسلام چقدر گسترده است، قربان!

- چه شده است، این انار چیست؟

- خودتان ببینید.

و انار را داد. روی انار با خطوطی برجسته و کاملاً طبیعی نوشته شده بود:

لا اله الا الله محمد رسول الله و ابوبکر و عمر و عثمان و علی خلفاء رسول الله،

ادامه داد:

- این نشانه‌ای است آشکار از حقانیت مذاهب اهل سنت که به خلافت

این چهار خلیفه‌ی بزرگوار اقرار می‌کنند، نه این شیعه‌ها که به خلفای اول

و دوم اهانت می‌کنند و می‌گویند خلیفه‌ی بعد از رسول خدا، علی است و لا

غیر.

حاکم از بس که در شگفتی این صحنه فرو رفته بود دیگر حرفی

نمی‌زد.

- جناب حاکم، این یک وحی است به من و حضرت عالی.

- چطور؟



- قربان واضح است این که من به مخالفت با شیعیان ادامه دهم و در این راه ثابت قدم باشم و شما هم از این همه لطف و محبت محرومشان کنید. الآن برای شما ثابت شد که این‌ها از جرگه توحید و اسلام خارج‌اند. حاکم باز هم انار را چرخاند و خواند. کمی هم فشار داد و با ناخن خود، آن نوشته را فشرد.

- نه جناب وزیر، قبول کردم. کاملاً طبیعی است. سبحان الله تعالی. حالا می‌گویی چه کنیم؟

- سه راه، قربان فقط سه راه دارند: اول، که از همه بهتر است، آن است که هدایت بیابند و به اسلام روی آورند، دوم، مثل ادیان دیگر و مثل یهود جزیه<sup>۱</sup> دهند، و راه سوم، فقط مرگ، چون شرعاً از دین خارج‌اند و باید با آن‌ها جهاد کرد. البته اگر پاسخی محکم‌تر از این بیابند، بیاورند و حقایق خود را ثابت کنند که در این صورت آزادند.

- ولی شیعیان خیلی متعصب‌اند. دستور بده تمام بزرگان‌شان همین امروز بیابند اینجا تا این سه راه را به آن‌ها ابلاغ کنم.

---

۱. جزیه نوعی مالیات است که در زمان رسول خدا ﷺ از غیرمسلمانی که در سرزمین‌های اسلامی زندگی می‌کردند، گرفته می‌شد.

وزیر دستور داد و تمام بزرگان و عالمان و سرشناسان شیعه را در تالار جمع کرد و حاکم هم به آن‌ها گفت که یا بر حقانیت خود و بطلان این انار دلیل بیاورند؛ مثل اقلیت‌های مذهبی، یا مردانشان را می‌کشند و زنان و فرزندان‌شان را به اسیری می‌گیرند.

حاکم، انار را به آن‌ها نشان داد و آن را دست به دست چرخاندند. تحیر و شگفت‌زدگی در چشم هایشان موج می‌زد و همه‌ها بر خاست؛ یا صاحب الزمان؛ ما بر حقیم، این دیگر چه اناری است، خدایا مگر می‌شود؟ بعد از لحظات سنگین سکوت، با هم مشورت کردند و به این نتیجه رسیدند که سه روز مهلت بخواهند.

نگاه شیطانی وزیر مثل وسوسه‌ای شوم برق می‌زد. سه روز مهلت گرفتند و رفتند. در منزل یکی از سرشناسان بحرین جلسه‌ای پرهیاهو تشکیل شد. در این جلسه پیشنهاد شد که در این مهلت سه روز از امام خود بخواهند که آنان را از این بلا نجات دهد.

قرار شد که سه تن از پاک‌ترین و خوش‌قلب‌ترین یاران خود را برگزینند و به بیابان بفرستند تا از امام چاره‌جویی بخواهند. از میان شیعیان

۷۰ ..... صبح فرا می‌رسد

صد نفر را برگزیدند پس از مشورت ، از آن صد نفر، ده نفر واز آن میان سه نفر را برگزیدند و مقرر شد که به انتظارِ لطف مولایشان بنشینند. شب شد و نفر اول روانه شد. صبح شد و مأیوسانه برگشت. اضطراب تنوره کشید و اشک‌ها سرازیر شد. روز دوم و شب دوم فرا رسید و شب دوم هم به صبح پیوند خورد و یأس و یأس و یأس.

شب سوم فرا رسید و نفَس‌ها در سینه‌ها حبس شد، مردان خموش، زنان گریان بودند و چشم‌ها، این بار سخن‌گو شدند و آه‌ها روایت‌گران درون:

- یعنی می‌شود خون عاشورا در وجودت باشد و مجبور شوی که جزیه بدهی؟

- یعنی ما، که در زیر عَلَمِ عباس علیه السلام سینه زدیم، سر خَم کنیم و جزیه بدهیم.

- والله! مرگ، از شیری که از سینه‌ی مادرم خورده‌ام گواراتر است؟  
- بگذار برسد به آنجا، به آن‌ها می‌فهمانیم که شیعه یعنی خون، یعنی شهادت، یعنی غیرت.

- به بازوی عباس علیه السلام قسم که ایستاده می‌میرم.

- های، چه می‌گویید؟ مگر می‌شود امام زمان تنهایمان بگذارد؟!

«محمد بن عیسی» که یکی از زاهدترین مردم بود برای شب سوم

بی‌سجاده و زدا و کفش و عبا، اشک‌ریزان از خانه بیرون زد و اشک تمام

بینندگان منتظر را در آورد و فریاد زد:

- ای گمشده‌ی بیابان‌ها کجایی؟! ای خَلَفِ عَلاوی کجایی؟! ای که خون

حسین علیه السلام در رگانت می‌جوشد کجایی؟!

تا خود سحر گریه می‌کرد. ناگهان صدای پایی شنید. آمد جلو و گفت:

- هان محمد بن عیسی، چه شده است که تو را گریان و غمگین می‌بینم؟

هوا تاریک بود و چشم، چشم را نمی‌دید.

- مرا به حال خود بگذار و برو. کاری بس بزرگ دارم، که فقط به امام

زمان می‌گویم.

- محمد بن عیسی، امامت را فریاد کردی. من امام زمانت

هستم. حاجت را بگو!

- اگر تو امام زمانم هستی، مشکل من را می‌دانی.

آری می‌دانم و حکایت را گفتم.

چهار ستون پیکر محمد بن عیسی لرزید. لرزه‌ای منظم از نوک پا تا  
فرق سر.

محمد بن عیسی خودش هم نمی‌دانست چه کرد که مولایش مهربان  
و خودمانی به نوازشش آمده بود. یکسره شده بود وصال ناب، عطر آب،  
نرمی باران، فقط گفت:

- آری مولای من!

- ای محمد بن عیسی! وزیر ملعون، درخت اناری را در منزل خود دارد.  
قالبی به دقت تمام از گل ساخته و آن حروف را وارونه در آن حک کرد  
و روی اناری نارس بسته و محکم کرد. آن انار رشد کرد و فضای درون  
قالب و آن گندگی را پر کرد و آن شد که دیدید. فردا، پیش والی بروید که  
ته مانده‌ی انصافی در جان خود دارد، و بگویید که جواب را در خانه‌ی وزیر  
می‌گویم. می‌آید و وزیر خوش نمی‌دارد. شما اصرار کنید که وزیر جلوتر  
نرود. وقتی به خانه‌اش رسیدید به سمت راست خود بنگر، تک اتاقی را  
می‌بینی، به والی بگو که جواب تو در همین اتاق است.

اینجا وزیر می‌خواهد زودتر برود ولی نگذارید، که او قصدی شیطانی

دارد. مبادا از شما جلو بیفتد، وارد اتاق که شدید در دیوار مقابل نزدیک سقف، سوراخی می‌یابید که درون آن کیسه‌ای است و درون کیسه قالبی از گِل هست. آن را جلوی والی بگذار و آن انار را درون آن قالب گِلی جای ده که کاملاً در آن جای خواهد گرفت. حقیقت روشن خواهد شد. به والی بگو معجزه‌ی دیگرمان آن است که اگر انار را بشکافید جز دود و خاکستر در آن چیزی نیست. به وزیر بدهید تا آن را به دندان بگیرد، دود و خاکستر به صورتش می‌پاشد.

محمد بن عیسی نمی‌داند که پس از آن چه شد، می‌گوید: احتمالاً دست مولایم را بوسیدم. آخر در آن حال وحس مگر آدمی سر از پا می‌شناسد؟ آفتاب زده، محمد بن عیسی پا در قاب دروازه‌ی شهر نهاد و مردم منتظر را از دور میهمان لبخندی گویا و صریح کرد. خورشید آن روز بَزَک کرده، خوش می‌تابید و انگار از تمام کره‌ی خاک چشم قاپیده بود و یکجا زل زده بود آنجا، زل زده بود به آن شادمانی.

رفتند و آن شد که امام گفته بود. والی گفت:

- چه کسی این را به شما گفته است؟

- گمان کردی بی‌کس هستیم، آقای والی؟

و تک تک امامان را برایش بر شمردند و او هم گفت:

- أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ.

گمان نمی‌کنم که لازم باشد بگویم در آن روز، بحرین چه حال و هوایی

داشت و یا خورشید و آسمان چگونه بود و چشم‌ها چه‌سان اشک شوق

ریختند. این‌ها را خودتان حدس بزنید. فقط بگویم که محمد بن عیسی

ناخواسته مقدّس شد. خودش از دنیا دل کند ولی همه مردم به او دل

بستند، بیشتر از پیش و امروزه قبرش در بحرین زیارتگاه شده است.

در زمینی که نشان از کفِ پای تو دهند

سال‌ها سجده‌ی صاحب‌نظران خواهد شد

حال شما بگویید که از این داستان چه برداشت کرده‌اید؟

.....

.....

.....

.....





اگر به این پرسشنامه پاسخ دهید متوجه می‌شوید چقدر مطالب این نوشتار را فهمیده‌اید. شاید لازم باشد یک بار دیگر آن را بخوانید:

(۱) در سال‌های آخر زندگی رسول خدا ﷺ آیه‌ای نازل شد که در آن خدا از پیامبر خواسته بود که:

الف: مردم را به وحدت و یکدلی بخواند □

ب: به حج برود ..... □

ج: امام علی علیه السلام را به جانشینی خود برگزیند □

(۲) خدا در آیه‌ی تبلیغ گفته بود:

الف: به حج برو و در غدیر خم علی علیه السلام را به جانشینی خود برگزین □

ب: ... و در غدیر خم بگو که علی علیه السلام جانشین توست □

ج: ... تبلیغ کن و گرنه هیچ کاری انجام نداده‌ای □

(۳) پیامبر صلی الله علیه و آله در غدیر خم گفت:

الف: هر که مرا قبول دارد، این علی را جانشین من بداند و او را به امامت بپذیرد □

ب: اکنون پیش از آن‌که از میان شما بروم، این علی امام شماست □

ج: هر که مرا قبول دارد و مرا رهبر خود می‌داند باید بعد از من این علی را  
امام خود بداند □

(۴) در غدیر خم در پایان سخنان رسول خدا ﷺ...

الف: مردم شادمان شدند و به پیامبر تبریک گفتند □

ب: برای مردم دعا کرد و آن‌ها گروه گروه آمدند و به پیامبر تبریک  
گفتند □

ج: برای امام علی علیه السلام دعا کرد و مردم گروه گروه آمدند و امامت  
و جانشینی را به او تبریک گفتند □

(۵) پیامبر همواره علی علیه السلام را ..... و می‌گفت که جانشین من  
علی علیه السلام است.

الف: امتحان می‌کرد □ ب: دوست می‌داشت □ ج: ستایش می‌کرد □

(۶) کدام گزینه صحیح نیست؟

الف: پیامبر صلی الله علیه و آله در حدیثی، امامان را برای یکی از یاران خود نام برد □ ب:  
پیامبر صلی الله علیه و آله همواره می‌گفت که علی علیه السلام جانشین من خواهد بود □ ج:  
پیامبر صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را برای اولین بار در غدیر خم به جانشینی خود برگزید  
و معرفی کرد □

۷۸ ..... صبح فرامی‌رسد

۷) این جمله از کیست: «... مهدی زمین را پر از عدالت و خوبی می‌کند، همان‌طور که پر از ظلم و بدی شده است.

الف: رسول اکرم ﷺ

ب: کتاب جاماسب

ج: کتاب مقدس یهودیان

۸) امامان دربارهی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) و ظهور آن حضرت؛

الف: حدیث‌های فراوانی گفته‌اند

ب: سخن نگفته‌اند تا برای امام زمان مشکلی به وجود نیاید

ج: پنهانی و مخفیانه، فقط به یاران راز دار خود سخن گفته‌اند

۹) کدام جمله درست نیست؟

الف: حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) امید همه‌ی بشر است

ب: تمام ادیان به جز دین یهود، آمدن حضرت مهدی (عجل الله تعالی

فرجه) را بشارت داده‌اند

ج: تمام ادیان مژده‌ی آمدن او را داده‌اند

۱۰) کدامیک از این نام‌ها درباره‌ی امام زمان (عجل الله تعالی

فرجه) نیست؟

الف: منتقم

ب: ابوالشهدا

ج: مصلح

۱۱) امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) فرزند ..... و .....

می‌باشد

الف: امام حسن عسکری علیه السلام و ام البنین

ب: امام هادی علیه السلام و نرجس خاتون

ج: امام حسن عسکری علیه السلام و نرجس خاتون

۱۲) امام زمان (عجل الله تعالی فرجه)، در سال ..... هجری

قمری به دنیا آمد و اکنون تقریباً ..... سال از عمر شریف او

می‌گذرد.

الف: ۲۱۰ - ۱۶۵  ب: ۲۵۵ - ۱۱۷۲  ج: ۲۴۰ - ۱۱۷۵

۸۰ ..... صبح فرامی‌رسد

۱۳) امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) را چقدر دوست بداریم؟  
چرا؟

الف: به اندازه‌ی پدر و مادر؛ چون بسیار خوبند

ب: بیش از هر کس و هر چیز؛ زیرا به ما از پدر و مادر مهربان‌تر است

ج: پاسخ این سؤال هیچ یک از موارد (الف) و (ب) نمی‌باشد

۱۴) از آغاز آفرینش تا زمان ظهور؛

الف: بدها و ستمگران حکومت کرده‌اند

ب: خوبان حکومت کرده‌اند

ج: گاه خوبان و گاه بدان حکومت کرده‌اند

۱۵) کدام گزینه درست است؟

الف: از آغاز آفرینش تا زمان ظهور بدها حکومت و پس از ظهور، خوبان

حکومت خواهند کرد

ب: تا زمان ظهور شیطان قوی است ولی پس از آن ضعیف خواهد شد

ج: هر دو مورد

۱۶) امام صادق علیه السلام فرمود: نوح ..... سال زیست و .....

سال صبر کرد. الف: ۲۵۰۰، ۹۵۰  ب: ۹۵۰، ۴۰۰  ج: ۹۰۰، ۱۰۰۰

۱۷) شباهت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) به حضرت نوح علیه السلام در چیست؟

الف: عمر طولانی، پاک کردن زمین از بدی، کشتی نجات

ب: عمر طولانی، تبلیغ دین اسلام، کشتی نجات

ج: عمر طولانی و صبر طولانی

۱۸) شباهت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) به حضرت موسی در چیست؟

الف: ولادت پنهانی، صبر زیاد، خشم مقدس

ب: ولادت پنهانی، دو بار غایب شدن، رنج دوران غیبت

ج: مقاومت، صبر زیاد، خشم مقدس

۱۹) شباهت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) با حضرت عیسی علیه السلام در چیست؟

الف: در گهواره سخن گفتن، مادر بسیار پاک؛

ب: صبر، در گهواره سخن گفتن، کنیز بودن مادران؛

ج: در گهواره سخن گفتن، شهادت، صبر زیاد

۲۰) نقطه چین را پر کنید: وی شجاعتِ ..... بردباری .....  
و دلآوری ..... را به ارث برده است.

الف: پیامبر اکرم ﷺ، فاطمه زهرا ؑ، حضرت علی ؑ □

ب: امیر مؤمنان علی ؑ، امام حسن ؑ، امام حسین ؑ □

ج: امیر مؤمنان علی ؑ، پیامبر اکرم ﷺ، امام حسین ؑ □

۲۱) امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) مانند ..... حبل الله  
است و مانند ..... شوق عبادت دارد.

الف: قرآن، امام سجاد ؑ □

ب: رسول خدا ﷺ، امام سجاد ؑ □

ج: رسول خدا ﷺ، امیر مؤمنان ؑ □

۲۲) کدام گزینه غلط است؟

الف: آن که در انتظارِ خوب‌ترین است خود نیز باید خوب باشد □

ب: آن که در انتظارِ خوب‌ترین است، ضرورتی ندارد که خود نیز خوب

باشد بلکه همین که خوبان را دوست دارد کافی است □

ج: خواسته و آموزه‌های امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) آشکار است.

باید امر او را اطاعت کنیم. □

**(۲۳) وظیفه ما در دوران غیبت؛**

الف: اطاعت امر او

ب: دست روی دست نهادن و منتظر ظهور او ماندن

ج: تلاش برای زیارت او

**(۲۴) کدام گزینه درست است؟**

الف: اطاعت از امر خدا واجب است ولی اطاعت از امر امامان مستحب

ب: در واقع اطاعت از امر خدا در اطاعت از امر امامان است

ج: وظیفه‌ی ما انتظار است نه اطاعت از امر

**(۲۵) پیامبر ﷺ فرمود که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه)**

مثل آفتاب پشت ابر است، آیا می‌دانید چرا؟

الف: آفتاب پشت ابر مایه راهیابی و راهجویی است

ب: آفتاب پشت ابر، یعنی این که شب نیست، یعنی امام هست ولی فعلاً از

چشم‌ها پنهان است

ج: هر دو مورد فوق صحیح است

**(۲۶) امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) از ..... سالگی به مدت**

..... غیبت کرد که به آن غیبت صغری می‌گویند.

الف: پنج، ۱۱۷۰       ب: هفت، ۷۲       ج: پنج، ۶۹



### ۲۷) کدام گزینه درست است؟

الف: در غیبت صغریٰ ارتباط امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) با مردم به کلی قطع شد

ب: پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام، جاسوسان حکومت برای یافتن امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) دست به کار شدند

ج: هیچ کدام

۲۸) نواب اربعه که در زمان غیبت صغریٰ واسطه‌ی میان مردم و امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) بوده‌اند در کدام گزینه به درستی نام برده شده‌اند؟

الف: عبدالرحمان کُفَانی، عثمان بن سعید سَمَری، سعید بن عثمان، عبدالستار مکی

ب: ابن حیان، نوبختی، سعید بن عثمان و پسرش

ج: عثمان بن سعید، محمد بن عثمان، حسین بن روح نوبختی، علی بن محمد سَمَری

### ۲۹) کدام گزینه صحیح‌تر است؟

الف: با مرگ چهارمین نایب خاص، مسأله‌ی نیابت خاص، عام شد.

ب: در دوران غیبت کبریٰ باید به «نایبان عام» که عالمان دین هستند

مراجعه کرد  ج: هر دو مورد صحیح است

۳۰) نقطه چین را با کدام گزینه می‌توان پر کرد:

انتظار هم تمرین..... است

و موجب آسان شدن..... و هم شوق دیدن..... را زیاد

می‌کند و هم آدمی را برای ظهور.... می‌سازد و هم مؤمن.....

مشخص تر می‌شود.

الف: وفاداری، رنج‌ها، امام زمان (عجل الله تعالی فرجه)، آماده‌تر، واقعی

ب: دینداری، غیبت، امام زمان (عجل الله تعالی فرجه)، آماده‌تر نادرست

ج: ایمان، فراق، دوری، امام زمان (عجل الله تعالی فرجه)، آماده‌تر،

بی‌ریایی که عبادت‌هایش را انجام می‌دهد

والسلام. التماس دعا

## فهرست منشورات مسجد مقدّس جمکران

- ۱- قرآن کریم (دوزی، کفر، جیسا)
- ۲- کلیات مفاتیح الجنان (دوزی، جیسا)
- ۳- منتخب مفاتیح الجنان (جیسا)
- ۴- نهج البلاغه (دوزی، جیسا)
- ۵- صحیفه سجاده
- ۶- آئینه اسرار
- ۷- آثار گناه در زندگی و راه جبران
- ۸- آخرین پناه
- ۹- آخرین خورشید پیدا
- ۱۰- آشنایی با چهارده معصوم (۱۱)
- ۱۱- آقا شیخ مرتضی زاهد
- ۱۲- آیین انتظار (مختصر مکالمات)
- ۱۳- ارتباط با خدا
- ۱۴- از زلال ولایت
- ۱۵- اسلام شناسی و پاسخ به شبهات
- ۱۶- امامت، غیبت، ظهور
- ۱۷- امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام
- ۱۸- امامت و ولایت در امالی شیخ صدوق
- ۱۹- امام رضا، امام مهدی و حضرت معصومه (۱۱) (روسی)
- ۲۰- امام رضا (ع) در رزمگاه ادیان
- ۲۱- امام شناسی و پاسخ به شبهات
- ۲۲- انتظار بهار و باران
- ۲۳- انتظار و انسان معاصر
- ۲۴- اهمیت اذان و اقامه
- ۲۵- با اولین امام در آخرین پیام
- ۲۶- بامداد بشریت
- ۲۷- بهتر از بهار/کودک
- ۲۸- پرچمدار نینوا
- ۲۹- پرچم هدایت
- ۳۰- پیامبر اعظم (ص) و تروریسم و خشونت طلبی
- ۳۱- پیامبر اعظم (ص) و جهاد و برده داری
- ۳۲- پیامبر اعظم (ص) و حقوق اقلیت ها و ارتداد
- ۳۳- پیامبر اعظم (ص) و حقوق زن
- ۳۴- پیامبر اعظم (ص) و صلح طلبی
- ۳۵- تاریخ امیر المؤمنین (ع) / دو جلد
- ۳۶- تاریخ پیامبر اسلام (ص) / دو جلد
- ۳۷- تاریخچه مسجد مقدس جمکران / (فارسی، عربی، اردو، انگلیسی)
- ۳۸- تاریخ سید الشهداء (ع)
- ۳۹- تجلیگاه صاحب الزمان (ع)
- ۴۰- تشریف یافتگان (بهار دهر)
- ۴۱- جلوه های پنهانی امام عصر (ع)
- ۴۲- چهارده گفتار ارتباط معنوی با حضرت مهدی (ع)
- ۴۳- چهل حدیث / امام مهدی (ع) در کلام امام علی (ع)
- ۴۴- چهل حدیث برگزیده از پیامبر اعظم (ص)
- ۴۵- حضرت مهدی (ع) فروغ تابان ولایت
- ۴۶- حکمت های جاوید
- ۴۷- ختم سوره های یس و واقعه
- ۴۸- خزائن الاشعار (مجموعه اشعار)
- ۴۹- خورشید غایب (مختصر نجم الثاقب)

- ۵۰- خوشه‌های طلایی (مجموعه اشعار)  
 ۵۱- دار السلام  
 ۵۲- داستان‌هایی از امام زمان علیه السلام  
 ۵۳- داغ شقایق (مجموعه اشعار)  
 ۵۴- در انتظار منجی (روسی)  
 ۵۵- در جستجوی نور  
 ۵۶- در کربلا چه گذشت؟ (ترجمه نسر المهرم)  
 ۵۷- دفاع از حریم امامت و ولایت (مختصر شب‌های پشاور)  
 ۵۸- دلشده در حسرت دیدار دوست  
 ۵۹- دین و آزادی  
 ۶۰- رجعت یا حیات دوباره  
 ۶۱- رسول ترک  
 ۶۲- روزنه‌هایی از عالم غیب  
 ۶۳- زیارت ناحیه مقدسه  
 ۶۴- سبحان رحمت  
 ۶۵- سخنرانی مراجع در مسجد جمکران  
 ۶۶- سرود سرخ انار  
 ۶۷- سقا خود تشنه دیدار  
 ۶۸- سلفی‌گری (وهایت) و پاسخ به شبهات  
 ۶۹- سیاحت غرب  
 ۷۰- سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربی  
 ۷۱- سیمای جهان در عصر امام زمان علیه السلام (دو جلدی)  
 ۷۲- سیمای مهدی موعود علیه السلام در آئینه شعر فارسی  
 ۷۳- شرح زیارت جامعه کبیره (ترجمه الشمس الطالعه)  
 ۷۴- شمس وراء السحاب / عربی  
 ۷۵- صبح فرا می‌رسد  
 ۷۶- ظهور حضرت مهدی علیه السلام  
 ۷۷- عاشورا تجلی دوستی و دشمنی  
 ۷۸- عریضه نویسی  
 ۷۹- عطر سبب  
 ۸۰- عقد الدرر فی أخبار المنتظر علیه السلام / عربی  
 ۸۱- علی علیه السلام مروارید ولایت  
 ۸۲- علی علیه السلام و پایان تاریخ  
 ۸۳- غدیرخم (روسی، آذری لاتین)  
 ۸۴- غدیرشناسی و پاسخ به شبهات  
 ۸۵- فتنه وهایت  
 ۸۶- فدک ذوالفقار فاطمه علیها السلام  
 ۸۷- فرهنگ اخلاق  
 ۸۸- فرهنگ تربیت  
 ۸۹- فرهنگ درمان طبیعی بیماری‌ها (بندی)  
 ۹۰- فوز اکبر  
 ۹۱- فریادرس  
 ۹۲- قصه‌های تربیتی  
 ۹۳- کرامات المهدی علیه السلام  
 ۹۴- کرامت‌های حضرت مهدی علیه السلام  
 ۹۵- کمال الدین و تمام النعمة (در جلد)  
 ۹۶- کهکشان راه نیلی (مجموعه اشعار)  
 ۹۷- گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار)  
 ۹۸- گفتمان مهدویت  
 ۹۹- گنجینه نور و برکت، ختم صلوات  
 ۱۰۰- مام فضیلت‌ها  
 ۱۰۱- مشکاة الانوار  
 ۱۰۲- مفرد مذکر غائب  
 ۱۰۳- مکیال المکارم (در جلد)  
 ۱۰۴- منازل الآخرة، زندگی پس از مرگ  
 ۱۰۵- منجی موعود از منظر نهج البلاغه  
 ۱۰۶- منشور نینوا  
 ۱۰۷- موعودشناسی و پاسخ به شبهات  
 ۱۰۸- مهدی علیه السلام تجسم امید و نجات  
 ۱۰۹- مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامی

۱۱۰ - مهدی موعود علیه السلام، ترجمه جلد ۱۲ چهارم - دو جلد

۱۱۱ - مهربان‌تر از مادر / نوجوان

۱۱۲ - مهر بیکران

۱۱۳ - میثاق منتظران (شرح زیارت آل بس)

۱۱۴ - ناپیدا ولی با ما / الفارس، ترکی استانبولی، انگلیسی، بنگالی

۱۱۵ - نجم الثاقب

۱۱۶ - نجم الثاقب (دو جلدی)

۱۱۷ - ندای ولایت

۱۱۸ - نشانه‌های ظهور او

۱۱۹ - نشانه‌های یار و چکامه انتظار

۱۲۰ - نگاهی به مسیحیت و پاسخ به شبهات

۱۲۱ - نماز شب

۱۲۲ - نهج الکرامه گفته‌ها و نوشته‌های امام حسین علیه السلام

۱۲۳ - و آن که دیرتر آمد

۱۲۴ - واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات

۱۲۵ - وظایف منتظران

۱۲۶ - ویژگی‌های حضرت زینب علیها السلام

۱۲۷ - هدیه احمدیه (اجیبی، نیم‌جیبی)

۱۲۸ - همراه با مهدی منتظر

۱۲۹ - یاد مهدی علیه السلام

۱۳۰ - یار غائب از نظر (مجموعه آثار)

۱۳۱ - ینابیع الحکمة / امری - پنج جلد

جهت تهیه و خرید کتاب‌های فوق، می‌توانید با نشانی: قم - صندوق پستی ۶۱۷، انتشارات مسجد مقدس جمکران مکاتبه و یا با شماره تلفن‌های ۷۲۵۳۷۰۰، ۷۲۵۳۳۴۰ - ۲۵۱ تماس حاصل نمایید.

کتاب‌های درخواستی بدون هزینه پستی برای شما ارسال می‌گردد.

سایر نمایندگی‌های فروش:

تهران: ۰۲۱ - ۶۶۹۲۸۶۸۷، ۶۶۹۳۹۰۸۳

یزد: ۰۳۵۱ - ۶۲۸۰۶۷۱ - ۲، ۶۲۴۶۴۸۹

فریدونکاد: ۰۱۲۲ - ۵۶۶۴۲۱۲ - ۱۴